هشتگ

ویژه نامه نوجوانانه ، نمایشگاه رسانه های دیجیتال

گفتگو با عبدالله روامجری تلویزیون

این کتاب را با من گوش کن!

اینجا؛ همه چیز حقیقی است...

یادداشت
نمایشگاه

زهرا قربانی

یازدهمین نمایشگاه رسانه های دیجیتال روز شنبه بیستم آبان ماه آغاز به کار کرد. بدیهی است در روزهای آغازین، نمایشگاه با پوشش خبری کمتری از سمت رسانه ها رو به روست و با استقبال چندانی مواجه نمی شود.

اما در روزگار نا به سامان فضای مجازی و ورود به یک باره تلفن های همراه و رسانه های دیجیتالی بدون این که فرهنگ سازی درست آن صورت گیرد، این قبیل نمایشگاه ها از اوجب واجبات است.

حال پس از گذشت چند سال از باب شدن فضای اینترنتی و سایبری عده ای به فکر تالیف کتاب هایی با عنوان سواد رسانه ای در سطح مدارس و خانواده ها افتاده اند.

با توجه به مشکلات به وجود آمده ناشی از فضای مجازی و سایبری در بستر خانواده ها می توان گفت نقطه قوت این نمایشگاه در این خواهد بود که علاوه بر برگزاری نشست ها و آسیب شناسی، خروجی قابل توجه و برگزاری پرشوری داشته باشد. که لابه لای کارشناسی های خشک علمی، هم برای کودکان و نوجوانان جذاب و هم برای والدین کاربردی باشد.

نمایشگاه ها اصولا با هدف ارتقاء سطح آگاهی مردم از توانمندی های داخلی از موضوع مورد نظر آن نمایشگاه و نیز آشنایی با مجموعه هایی که در آن خصوص فعالیت می کنند برگزار می شوند. اما وقتی سخن از فضا مجازی است، با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری که مثلا در خصوص فضای مجازی آن را قتلگاه نوجوان ها معرفی کرده اند؛ مطمئنا در کنار کارکردهای همیشگی نمایشگاه، لازم است به حوزه آموزش و آسیب شناسی توجه ویژه ای شود.

شاید از همین روست که سازمان فرهنگی هنری شهرداری و بخصوص فرهنگسرای رسانه توجه خاص خود را بر روی رژیم مصرف درست فضای مجازی در بستر خانواده ها قرار داده است و برای مصرف آگاهانه و برنامه ریزی شده آن ها تلاش می کند.

گرچه کودکان نسل نو، بسیار بیش از گذشتگان خود با مدرنیته و به ویژه تکنولوژی هایی نظیر رایانه، موبایل و اینترنت سر و کار دارند و جوانان و بزرگترها هم به واسطه عدم آموزش درست در مواجهه با این رسانه ها ضعیف عمل کرده و اصطلاحا وا داده اند، باید بپذیریم که قشر نوجوان بیش از هر گروهی نیاز به آموزش در حوزه سواد رسانه ای دارند.

بدیهی است برای ایجاد یک جریان فرهنگی صحیح و کارآمد، اقدامات متعددی لازم است. اما در کل باید گفت برگزاری نمایشگاه سالانه رسانه های دیجیتال نقش پررنگی در روند رو به رشد و مناسب تر رسانه های مجازی داخلی داشته است. گرچه بی شک نیازمند بازنگری های دقیق کیفی و کمی است.

سرمقاله

گوسفندهایت را بشمار!

حسین شکیب راد

یک...دو...سه

قدیم ترها شب های تابستان در خانه مادربزرگ روی پشت بام می خوابیدیم.

گاهی به من پشه بند هم نمی رسید و تا صبح جای هزاران نیش روی بدنم می ماند.

اما همان زمان ها وقتی خوابم نمی برد، مادربزرگ می گفت گوسفندها را توی ذهنم بشمارم تا خوابم ببرد. من هم شروع می کردم: یک...دو...سه...اما خدایی گاهی می شد که تا ۲۴۳۷ تا هم می شمردم و خوابم نمی برد. بعد لابد نوبت شمردن ستاره ها بود!

امروز از خوابیدن روی پشت بام خبری نیست. بیشتر مردم اما یک همراه پیدا کرده اند که تا توی رختخواب هم رهایشان نمی کند، یا بهتر بگویم، رهایش نمی کنند. فضای مجازی که در طول روز آن را پای سیستم های رایانه ای دنبال می کنیم آخر شب در گوشی موبا

گوشی تلفن همراه سرشار از بازی ها، نرم افزارها، شبکه های اجتماعی و... مونس شب های بسیاری از ما شده است. حالا اگر مادربزرگ بود می گفت گوسفندهای مجازی ات را بشمار. گرچه از سواد اندکش بود و من می گویم به گوسفندهای مجازی ات خداحافظ بگو تا خوابت ببرد!

فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده اند و از فاصله های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می کنند. امروزه روش های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است.

پست الکترونیک، پیام های کوتاه، چت روم ها، وب پایگاه ها و بازی ها، روش هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده اند. روزانه نزدیک به چهارصد میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می کنند و یکی از کاربردهای اصلی اینترنت، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. شاید عیب اصلی ارتباط های اینترنتی آن است که ارتباط در فضای مجازی، اساساً بر متن استوار است و بنابراین، از نشانه های بصری و شنیداری در تعامل های رو در رو بی بهره است.

امروزه خانواده ایرانی در سد فرهنگی خود مواجه با شبکه های ماهواره ای، فضای مجازی، رسانه های مدرن و ...است که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده را هدف گرفته اند. بعضی از شبکه های ماهواره ای که به طور تخصصی تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده است و پیام مشترک برنامه های این شبکه ها عبارتند از: "ترویج خانواده های بی سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار خانواده، عادی سازی خیانت همسران به یکدیگر، عادی جلوه دادن روابط جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج و...

نمایشگاه رسانه های دیجیتال شاید از طریق اطلاع رسانی و آموزش های مناسب در خصوص آسیب های اجتماعی و حتی جسمی ناشی از استفاده بیش از اندازه یا بدون خط قرمز از فضای مجازی، بتواند کمکی به اصلاح مصرف مردم و به خصوص خانواده ها از این پدیده نو نماید.

التماس کمی تفکر...

یادداشت
فضای مجازی

شقایق فراهانی

در گیرودارِ زندگیِ اینترنتیِ این روزها و مشغله ها و دغدغه های ریز و درشت آدم ها، با کمی تامل و دقت حتی بدون احتیاج به سرک کشیدن به زندگی اطرافیانمان متوجه این موضوع می شویم که زندگی اکثرمان خلاصه شده به گشتن در تلگرام و یا اینستاگرام و دیگر فضاهای مجازی!

انگار که تلفن های همراه هوشمند عضوی جدا ناپذیر از بدنمان شده و قادر به ترک آن ها نیستیم.

از چک کردن ۵ دقیقه ای گوشی هایمان وسط درس خواندن که گاها به ۱ ساعت هم ختم می شود؛ بگیر تا دوره همی های خانوادگی که با زهم بیخیال این ماسماسک ۵ اینچی نمی شویم.

راستش را بخواهی به نظرم خیلی به خودمان مدیونیم! برای تمام لحظات خوب، خاطره های به یاد ماندنی و حس های خاص که باید خلق می شد و نشد و فضای مجازی جای آن را گرفت!

جایی نوشته بود اگر ترامپ سیم اینترنت را قطع کند چه می شود؟! واقعا چه بر سرمان می آید؟ حقیقتش این است که ما هنوز یاد نگرفتیم که چگونه بدون گوشی هایمان زندگی کنیم؟!

اصلا بلدیم بدون سلفی گرفتن لبخند بزنیم؟ بلدیم بدون پست گذاشتن در اینستاگرام و صد جای دیگر خوش بگذرانیم؟

همه زندگی ما شده به رخ کشیدن خوش گذرانی هایمان در فضای مجازی و زدن لبخندهای فیک برای نشان دادن این که من خیلی خوشحالم!

ولی آیا واقعا به همان اندازه ای که در این فضاها تظاهر می کنیم شادیم؟! آیا واقعا همان قدری که کپشن های انگیزشی منتشر می کنیم انگیزه، روحیه و پشتکار داریم؟ به همان اندازه تلاش می کنیم؟

آیا این ها فقط حربه ای برای جذب لایک و فالوور هستند؟

انقدر فضای مجازی رسوخ کرده در زندگی هایمان که حتی عزاداری هایمان هم صرفا فقط وانمود کردن است!

انقدر درگیر این هستیم که جلوی عَلَم ها و دسته ها بایستیم و عکس بگیریم و با هشتگِ من و عَلَم یهویی و شبیه این ها پست کنیم که حدس می زنم کمتر عزاداری کرده باشیم! گاهی افراط در خودنمایی چه ها که نمی کند!...التماس کمی تفکر...

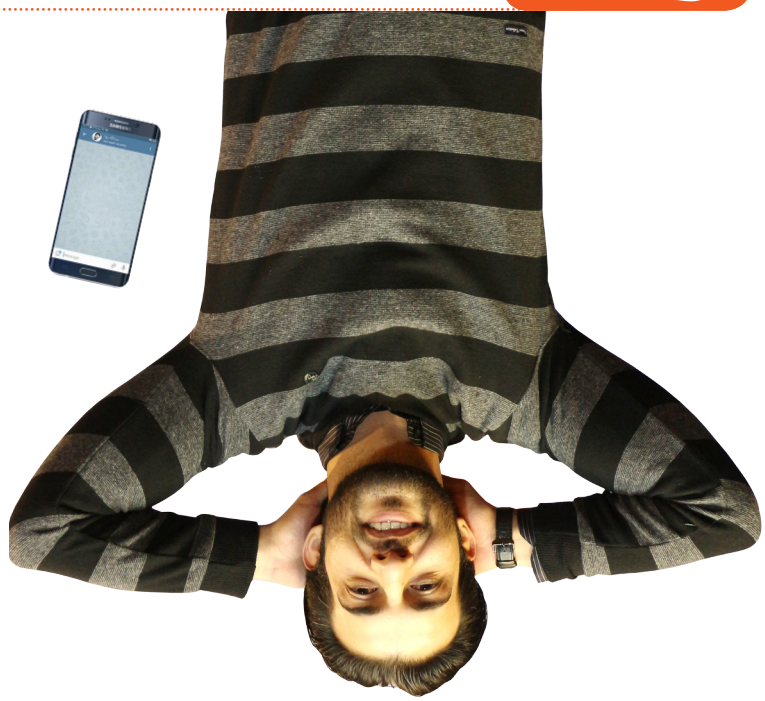

گفتگو با عبدالله روا

مجری برنامه «بی‌سیم»؛ درباره دنیای مجازی

با «کامنت» پس می‌زنه با «لایک» پیش می‌کشه!

«عبدالله روا» اهل بلندترین شهر ایران، «بروجن» از توابع استان باصفای چهارمحال و بختیاری است. البته تحصیلاتش را در اصفهان گذرانده است؛ یعنی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. از ۵ اسفند ۶۴ که به دنیا آمد تا بهمن سال بعد که پدرش در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید فاصله کمی بود. حالا شاید بهتر بشود فهمید چرا در برنامه‌های مختلف خیلی می‌گوید: «بابا‌ها را ببوسید!». او علاوه بر مجری‌گری، عاشق پاستیل هم هست. و البته شعر و ادبیات. این‌ها همه نوید یک گفتگوی جذاب را برای ما داشت و انصافا همین طور هم شد.

گفتگو
مجری
زهرا قربانی

درباره برنامه «بی‌سیم» برایمان بگویید.

محور این برنامه تکنولوژی است و دغدغه‌هایی که مردم در مواجهه با انواع تکنولوژی با آن روبه‌رو هستند. طبیعتاً بخش قابل توجهی از تکنولوژی‌های امروز معطوف به فضای مجازی است و به همین جهت مخاطب اصلی ما را نوجوان‌ها و جوان‌ها تشکیل می‌دهند که بیشترین استفاده را از دنیای مجازی می‌کنند. البته نه از زبان یک کارشناس بلکه با یک رویکرد نمایشی و شاداب.

در فصل سوم بُعد پاسخگویی به سؤالات مردم خیلی پررنگ‌تر شد. سؤالاتی که ممکن است برای خیلی‌ها پیش بیاید و جواب آن را ندانند. مثل اینکه اگر در منزل شما با ریموت باز می‌شود، وقتی که برق رفته است چطور باید آن را باز کنید. یا اگر با طری موبایلتان زود خالی می‌شود باید چه کار کنید.

یک بار هم به موضوع «کپی رایت» پرداختید. چون موضوع این شماره از نشریه ما هم بوده است؛ لطفاً درباره آن کمی توضیح دهید.

طبیعتاً از دغدغه‌های ما در «بی‌سیم»، آسیب شناسی مشکلات است و ترویج فرهنگ استفاده درست از فضای مجازی و تکنولوژی‌ها. و همچنین چنان چه گفتم، پاسخگویی به سؤالات و دغدغه‌های مردم. برای همین سراغ موضوعی مثل «کپی رایت» هم رفتیم. اول برای این که بدانیم اصلاً «کپی رایت» چیست. آیا ما این قانون را داریم یا نداریم. و حالا که مدت‌هاست این قانون در کشور ما وجود ندارد؛ ما داریم بیشتر سود می‌کنیم یا ضرر. در حقیقت ما فقط طرح موضوع می‌کنیم و نتیجه‌گیری را به خود مخاطب واگذار می‌کنیم.

در این مورد بخصوص جمع بندی خود شما چه بود؟

حرفم را با یک مثال می‌گویم. ببینید وقتی مثلاً مدرسه‌ها به علت بارش برف تعطیل می‌شود، از طرفی خوشحالیم بابت نعمت برف و باران. شاید ته دلمان هم بگوییم آخ جان که مدرسه تعطیل شد. اما مطمئناً در مدرسه هم چیزهایی هست که در صورت تعطیلی، آن‌ها را از دست می‌دهیم. یعنی هیچ وقت نمی‌توانیم پدیده‌ای را کاملاً مثبت یا کاملاً منفی بدانیم.

در مورد «کپی رایت» هم شاید بگوییم برای دست یابی به نرم افزارهایی که در خارج باید ۳۰۰، ۴۰۰ دلار هزینه کنند، ما خیلی راحت و با کمترین هزینه می‌توانیم اقدام کنیم.

در حالی که در طرف دیگر ماجرا نخبه‌های ایرانی ما هستند که به خاطر نبود این قانون دارند ضرر می‌کنند و استعدادشان را خرج نمی‌کنند برای تولید نرم افزار؛ یا اگر کاری انجام دهند پشیمان می‌شوند.

با این نگاه شکستن قفل یک نرم افزار تقریباً هیچ فرقی با این که من دستم را توی جیب کسی کنم و پولش را بردارم ندارد. تازه شاید کسی که از خانه مردم بالا می‌رود زحمت بیشتری هم می‌کشد و به نوعی دارد برای درآمدزایی عرق هم می‌ریزد، ولی این افراد حتی زحمت چندانی هم برای دزدی‌شان نمی‌کشند! اما از شوخی که بگذریم انگار کار کسانی که به تکثیر غیرقانونی نرم افزارها و فیلم‌ها و ... می‌پردازند؛ قبح و زشتی دزدی را ندارد. حتی ممکن است یک هکر را در یک برنامه تلویزیونی ببریم و کلی هم از او تعریف کنیم. در حالی که این کار ما واقعاً تشویق به دزدی است.

این موضوع فقط در مورد ابزارهای حوزه تکنولوژی است یا حتی ممکن است شعر ما، داستان ما، یا هر چیز دیگری از این دست هم استفاده شود، بدون اشاره به خالق اثر؟

تحقیقاتی که من کردم نشان داد که خوشبختانه در مورد «حق مالکیت اثر» کارهایی انجام شده است و مثلاً اگر یک نویسنده فیلمنامه بتواند اثرش را در وزارت ارشاد ثبت کند، دیگر کسی اجازه استفاده از آن به نام خود را نخواهد داشت. اما این قصه بالاخره وجوه گوناگونی دارد. مثلاً من یک دوستی داشتم که نبوغ خوبی در طراحی لباس داشت.

مدت‌ها پیش، قبل از این که لباس‌هایی با طرح ایرانی فراگیر شود طرح‌هایی بسیار جذاب می‌زد. به خیلی‌ها مراجعه کرد تا حمایتش کنند. آخر سر هم یکی از آن‌ها که احتمالاً حافظه خوبی داشت، بلافاصله بعد از جلسه با این دوست ما، طرح‌ها را برای خودش برداشت و عملاً رفیق ما به خاک سیاه نشست.

برخورد نوجوان‌ها با موضوع تکنولوژی و بویژه فضای مجازی باید چطور باشد؟

من فکر می‌کنم کاملاً کاسب‌کارانه باید با این موضوع برخورد کنیم. در هر موردی، من خودم همین کار را می‌کنم و از فعالیت‌هایم در فضای مجازی راضی‌ام. باید ببینیم چقدر به درد زندگی ما می‌خورد و به نفع ماست. شاید برای یک نفر ۲ ساعت در روز استفاده از فضای مجازی کافی باشد، برای یک نفر ۱۰ ساعت هم کم باشد و برای یک نفر نیم ساعت هم سم است و او را از کارهای بزرگی که می‌تواند انجام دهد دور کند. مهم تشخیص این نکته است که چه چیزی برای ما مناسب است. به عبارت ساده باید بهترین استفاده را از هر چیزی داشته باشیم.

ملاک بهتری هم می‌توانید به نوجوان‌های مخاطب نشریه خانه نوجوان بدهید.

من یک دایی خیلی شوخ طبع و شیرین زبان دارم. اولین بار که ماشین خریدم، خیلی هیجان داشتم و برای آن ماشین خیلی وقت می‌گذاشتم. هر روز تمیزش می‌کردم. حتی اجازه نمی‌دادم کف پوش‌هایش کثیف شوند. وسایل جدید برایش می‌خریدم. دایی جان به من گفت: «دایی! تو قراره سوار این ماشین بشی. نه این که اون سوارت بشه!»

این جمله توی سرم پیچ می‌خورد. با خودم فکر کردم و دیدم بیشتر از این که من از ماشینم استفاده کنم و لذت ببرم دارم برایش وقت می‌گذارم و خرجش می‌کنم. به قول دایی دارم به او سواری می‌دهم. در واقع الان کارکرد تکنولوژی و وسیله‌ای مثل ماشین این است که رفاه ما را بیشتر کند و برای این که به کارهایمان برسیم کمک حالمان باشد در حالی که دیدم ماشین من، آسایش را هم از من گرفته است. در مورد فضای مجازی و تلفن همراه و... هم باید حواسمان باشد که کنترل او دست ما باشد نه این که او ما را کنترل کند. نوجوان‌های دوست داشتنی ما هم باید ببینند چه چیزی از این دنیای بزرگ فضای مجازی برایشان مفید است. شاید لازم باشد با بزرگ‌ترها هم مشورت کنند.

یعنی خودمان تجربه نکنیم؟

چرا اتفاقاً سن نوجوانی سن تجربه کردن است. من خودم بیشترین چیزی که از زندگی به دست آورده‌ام بابت تجربه‌هایم بوده است؛ نه از شنیده‌ها. نباید از تجربه کردن ترسید. اما خب لازم نیست هر چیزی را هم تجربه کرد. فاصله دل به دریا زدن و دیوانگی کم است.

یعنی باید شجاع بود اما نه این که از تجربیات دیگران استفاده نکنیم.

نظرتان درباره «لایک» چیست؟

برای من که واقعاً چیز مهمی نیست. نه این که از تأیید شدن بدم بیاید ولی چیزی نیست که برایم ارزش زیادی داشته باشد. اما فکر می‌کنم برای نوجوان‌ها و جوان‌های امروزی به چیز مهمی تبدیل شده است.

حدس می‌زنم چیزی را که در دنیای واقعی به دست نیاورده‌اند در فضای مجازی دنبال می‌کنند. چون به هر حال اینجا شخصیت دیگری پیدا می‌کنند. نمی‌فهمم چرا باید یک نفر با فتوشاپ شکمش را کوچک کند که بگوید من ورزشکار هستم! یا خودش را اهل شعر و موسیقی جا بزند. در حالی که اگر او را جایی دعوت کنند لو می‌رود و در نهایت چیزی گیرت نمی‌آید به جز همان چند تا «لایک» ناقابل.

گفتگو با دامون آذری

مدیرعامل موسسه آوانما، تولید کننده کتب صوتی

این کتاب را با من گوش کن

گفتگو
فعال فرهنگی
محمدصادق امانی

کارتان را از چه زمانی شروع کردید؟

فعالیت های ابتدایی خود را از سال ۸۷ با دانشجویان دانشگاه فنی شروع کردیم که توسط گویندگان غیرحرفه ای گویندگی می شد؛ اما از سال ۹۳ به صورت حرفه ای با ثبت شرکت «آوانامه دانش گستر» فعالیت های خود را با همکاری گویندگان حرفه ای ادامه دادیم و توانستیم با نشرهای معتبر کشور نیز همکاری داشته باشیم.

به نظر شما کتاب های صوتی از نوع مکتوب آن تأثیرگزارترهستند؟

هریک از کتاب های صوتی، الکترونیکی و مکتوب جایگاه خاص خودشان را دارند و معمولا طرفداران پرپاقرص کتاب های مکتوب کمتر به سمت کتاب های الکترونیک می روند و بالعکس. نوع مخاطب ها و نحوه استفاده از آن ها متفاوت است.

فکر نمی کنید اگر کتاب را دست بگیریم و ورق بزنیم حس قشنگ تری داریم؟

با توجه به شرایط جامعه امروزی که اغلب مردم زمان زیادی را در خودرو و مترو در ترافیک می گذرانند، کتاب صوتی این فرصت را فراهم می کند که از این زمان های مرده و کم استفاده به بهترین وجه ممکن استفاده کرد.

چه شد که مردم به سمت کتاب های الکترونیک گرایش پیدا کردند؟

بیشتر مخاطبان کتاب های صوتی را ساکنان شهرهای بزرگ تشکیل می دهند، به عبارتی وجود زمان های مرده بسیار در شهرهای بزرگ و افزایش استفاده از گوشی های هوشمند سبب شده که مردم به سمت کتاب های دیجیتال و صوتی گرایش پیدا کنند.

چند درصد از مخاطبان شما را نوجوانان و جوانان تشکیل می دهند؟

بررسی دقیقی در این رابطه انجام نشده اما از بازخورد هایی که از مخاطب دریافت کردیم متوجه این نکته شده ایم که جوانان مخاطب اصلی مجموعه ما هستند چراکه برای استفاده از کتاب های صوتی و الکترونیک نیاز به اپلیکیشن ها و وسایل هوشمند می باشد که جوانان بیشتر از این شکل وسیله ها استفاده می کنند.

شما از میان کتاب های صوتی چه کتابی را به نوجوانان پیشنهاد می کنید؟

مجموعه کارهای مرحوم درویشان را به قشر نوجوان پیشنهاد می کنم چراکه این مجموعه دارای داستان های کوتاهی است که خسته کننده نیست و نوجوانان می توانند روزی یک الی دو ساعت گوش کنند و بهره ببرند.

به نظر شما کتاب های صوتی رقیب کتاب های مکتوب هستند؟

خیر، همان طور که گفتم هریک از انواع ارائه کتاب به مخاطب طرفداران خاص خودش را دارد و طبق آمار رسمی فروش کتاب های الکترونیک عموما سبب کاهش فروش کتاب های مکتوب نشده است بلکه در بعضی موارد سبب تبلیغ کتاب های مکتوب هم شده است.

نقش کتاب های صوتی را در افزایش فرهنگ مطالعه چگونه ارزیابی می کنید؟

واقعیت این است که ما اساسا کتاب خوان نیستیم و متأسفانه تنبل هم هستیم و کتاب صوتی می تواند به ما کمک کند و سبب افزایش کتاب خوانی جوانانی شود که حوصله یا زمان کتاب خواندن را ندارند.

شما چه امکانی برای نوجوانان و جوانان که علاقه به صداپیشگی دارند فراهم کردید؟

نوجوانان علاقه مند می توانند به سایت موسسه ما به نشانی www.avanameh.com مراجعه نمایند و به صورت رایگان تست صدا بدهند و اگر رضایت بخش بود از آنان دعوت می کنیم.

حرف آخر با نوجوانان ایرانی.

ما در حوزه کتاب خوانی یک ضعف بزرگ داریم که با آمدن شبکه های اجتماعی این ضعف افزون نیز شده است اما با این حال من همه نوجوانان را به مطالعه دعوت می کنم هرچند شاید این حرف کلیشه ای باشد اما اگر به آن عمل نکنیم با نسلی روبرو خواهیم بود که از تاریخ، فلسفه و... چیزی نمی داند..

کارگاه های آموزشی در نمایشگاه

خیلی از ما معتادیم!

گزارش
نمایشگاه
میترا باباعلی

در حاشیه نمایشگاه رسانه های دیجیتال که دیروز شنبه ۲۰ آبان ماه، درست یک هفته بعد از پایان نمایشگاه مطبوعات افتتاح شد؛ نشستی در خصوص سواد رسانه ای و نوجوانان و جوانان ایران نیز با حضور کارشناس این حوزه خانم بالا محله برگزار شد که برای نوجوانان نیز جذاب بود و آنها را به گوش دادن به آن فراخواند.

معتاد اینترنتی کیست؟!

بزرگترین رسانه دیجیتال که همه رسانه های دیگر را در خودش جمع کرده اینترنت است و تجمع همه ی رسانه ها درونش باعث شده جذابیت زیادی برای قشر نوجوان و جوان داشته باشد به همین خاطر تمام آنها از اینترنت بیش از اندازه استفاده می کنند.

تحقیقات نشان می دهد که اگر فردی بیش از سه ساعت از اینترنت در طول هفته استفاده کند یک معتاد اینترنتی به حساب می آید.

تکذیب می کنم؛ مدت زیادی نیست!

مرکز ملی مشاوره امریکا تحقیقی کرده و علائمی را ارائه کرده و گفته کسانی که این علائم را داشته باشد یک معتاد اینترنتی هستند. علائم جسمی مانند احساس کردن درد در پشت گردن و ستون فقرات است در صورتی که پزشکان بگویند که این سن وقت این نوع دردها نیست! این یعنی شما الان عارضه ای پیدا کرده اید.

اما نشانه ی بعدی جسمانی نیست و روانی است. این در صورتی است که شما نتوانید از اینترنت دور شوید و بیش از حد از استفاده اینترنتتان لذت ببرید و هر قدر به شما بگویند چقدر آن موبایل دستت است، شما آن را انکار می کنید و می گویید زمان زیادی نیست!

نوجوانان در راس خطر

نصف افراد کشور ما یک معتاد اینترنتی هستند. طبق آمار سال ۹۵ میزان استفاده دختران از اینترنت در هفته ۹۲۵ دقیقه و این میزان در پسران ۱۰۲۵ دقیقه!

اگر این اعداد و نشانه ها را کنار هم بگذاریم می فهمیم که تمام نوجوان ها به مشکل خورده اند.

نمی توانیم بگوییم این رسانه دیجیتال بد است! این رسانه جزو لاینفک زندگیمان است. بچه ها استفاده های زیاد و خوبی از اینترنت دارند اما در حین این استفاده ها ممکن است با محتواهای نادرستی هم آشنا شوند. محتواهایی که اصلا مناسب آنها نیست! حال باید چه کند که این نوجوان وقتی در فضای دیجیتال قرار می گیرد بتواند به درستی از آن استفاده کند؟

در ادامه نشست، مباحثی در خصوص سواد رسانه ای مطرح شد که به طور جداگانه ارائه می کنیم.

کوتاه اما خواندنی درباره سواد رسانه ای

سدی در برابر نفوذ

آموزش
مجازی
میترا باباعلی

چیزی که دنیا سال ها قبل به آن روی آورده است چیزی به اسم سواد رسانه ای است. اولین بار کشور کانادا از آن استفاده کرد. کانادا کشوری است که قومیت های مختلفی در آن زندگی می کند.

حکومت به این موضوع فکر کرد که این قومیت ها باید به یک هماهنگی برسند. و برای این موضوع کتابی با نام سواد رسانه ای نوشت برای اینکه جلوی نفوذ حاکمیت آمریکا را بر یک استان مرزی بگیرد.

بنابراین وقتی کانادا آمده و کتاب سواد رسانه ای را نوشته برای جلوگیری از نفوذ این تهاجم فرهنگی بد نیست کشورهای دیگر هم به آن فکر بکنند. علاوه بر این کشور، ژاپن هم آمد این موضوع را تقلید کرد و کتاب سواد رسانه ای را برای آموزش نوشت و آموزش آن را در مدارس اجباری کرد.

این موضوع ادامه پیدا می کند تا اینکه در سال ۹۴ در ایران خودمان نیز به فکر این می افتند تا کتاب سواد رسانه ای را بنویسند. کتاب سواد رسانه ای در ایران واژه دیگری هم به دنبال دارد و آن تفکر است.

سه جنبه مهم سواد رسانه ای

۱ـ افراد اگر سواد رسانه ای داشته باشند میزان مصرف رسانه ای را بدست می آورند.

۲ـ به جنبه های نامحسوس پیام توجه می کنند.

۳ـ به تجزیه و تحلیل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از آن می رسند.

همین روند را در کتاب سواد و تفکر رسانه ای هم دنبال کردیم. یعنی فرد اگر سواد رسانه ای پیدا کند در واقع مدیریت مصرف پیدا می کند تا یمی که از اینترنت استفاده می کند را بدست می آورد. باید در کتاب این آموزش به دانش آموز داده شود تا به این زمان و نحوه مصرفش توجه کنند، و همینطور جنبه ی نامحسوس پیام که تمام استاید به آن اشاره کردند با عنوان حملات سایبری نیز دریافت می کنند.

پیام هایی به مخاطب داده می شود که ما فقط نمای بیرونی آن را می بینیم و جنبه نامحسوسش دیده نمی شود.

اگر افراد به سواد رسانه ای برسند و درک کنند که نویسنده این پیام چه چیزی در ذهن داشته و آن را تحلیل کنند مسئله ای عالی است.

کتاب سواد رسانه ای و آموزش و پرورش

بعد از سالیان سال که اینترنت وارد ایران شد و بعد از آن سواد رسانه ای نیز شناخته شد و در مدارس کتاب سواد رسانه ای به عنوان یک واحد اختیاری ارائه شد. در صورتی که هر مدرسه ای که دلش بخواهد می تواند این واحد را بردارد وگرنه کتاب دیگری را می تواند به جای آن در مدرسه تدریس نماید.

ولی این موضوع درست نیست و باید آسیب شناسی دقیقی شود. حتی معلمان متخصصی را هم در راس توریس قرار نمیدهند و آنها تنها ۳۲ به عنوان ضمن خدمت سرکلاس ها حاضر می شوند.

هشتگ

ویژه نامه نوجوانانه
نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال

صاحب امتیاز: فرهنگسرای رسانه
سردبیر: حسین شکیب‌راد
دبیر تحریریه: زهرا قربانی
مدیر اجرایی: مازیار غفاری
روابط عمومی: علی معدنی‌پور، میترا باباعلی
سرپرست نویسندگان: زهرا فرجی
سایر نویسندگان: ستاره کوهکن، محمدصادق امانی، شقایق شهرابی فراهانی
عکس: سعیدیعقوبی، راضیه‌آسیابی

خانه نوجوان ایران
سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
فرهنگسرای رسانه و شبکه‌های اجتماعی

با مخاطبین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال

جذاب اما غریب

خبر
نمایشگاه

ستاره کوهکن

نمایشگاه‌ها مخاطبان مختلفی دارند. برخی که اصولا نمایشگاه‌گرد هستند. یعنی برایشان فرقی نمی‌کند نمایشگاه تخصصی لوله اگزوز ماشین‌های شاسی بلند در حال برگزاری است یا لوازم کمک آموزشی نوزادهای ۶ تا ۹ ماهه. بالاخره خودشان را به محل برگزاری نمایشگاه می‌رسانند و اگرچه چیزی هم به دردشان نخورد، سیب زمینی سرخ کرده را از دست نداده‌اند لااقل!

اما گروه دیگر کسانی هستند که به شدت دنبال دریافت اطلاعات مفید هستند و به تناسب موضوعات مورد کاربردشان به نمایشگاه‌های تخصصی سر می‌زنند. خب نمایشگاه رسان‌های دیجیتال چیزی است که کمتر کسی با آن سر و کار ندارد.

در نخستین روز نمایشگاه رسان‌های ذیجیتال، به سراغ برخی از این مخاطبان رفتیم و گپ و گفتی با ایشان داشتیم.

حسین پسر نوجوانی که نیم ساعتی می‌شد در فضای نمایشگاه حضور پیدا کرده بود نمایشگاه را فراتر از حد انتظارش یافته بود. او درباره علت حضورش گفت:

من واقعا علاقه شدیدی به بازی دارم. بازی‌های رایانه‌ای البته. یعنی خوره بازی هستم. این شد که آمدم به اینجا سری بزنم و ببینم چه چیزی برای من پیدا می‌شود.

مرضیه اما که سه ساعتی می‌شد به هر گوشه و کنار نمایشگاه سری زده بود هدفش را این طور بیان کرد:

هم فضای اینجا را دوست داشتم و هم به واسطه فعالیتی که در برخی گروه‌های فرهنگی در فضای مجازی دارم برایم نیاز بود که سری بزنم و با سایر مجموعه‌های همسو آشنا شوم.

سراغ برخی از غرفه داران هم رفتم که به طبع دلیل اصلی حضورشان معرفی فعالیتی بود که به آن مشغول هستند. مثلا مسئول غرفه «اعتیاد به فضای مجازی» که برایم توضیح داد: مجموعه ما اپلیکیشنی دارد که به هر فرد کمک می‌کند تا با انجام یک سری تست‌ها، بفهمد دچار اعتیاد به فضای مجازی هست یا نه.

جواب سؤال بعدم را حدس می‌زدم، اما با توضیح مخاطبان مطمئن‌تر شدم. از آن‌ها در خصوص میزان فعالیتشان در طول روز در فضای مجازی پرسیدم.

حسین: فقط پنج ساعتم را گیم بازی می‌کنم. باقی‌اش را نمی‌دانم!

مرضیه: خیلی زیاد، پنج یا شش ساعت و حتی بیشتر!

فرزاد (یک غرفه‌دار): بیشتر فعالیت‌های من در فضای مجازی است شاید نزدیک به نصف روزم را پای گوشی هدر می‌دهم.

بعد درباره «بمب اطلاعات» از آن‌ها پرسیدم. اینکه باید چه کار کرد که گرفتار سونامی این بمب اطلاعات نشویم؟ آن‌ها کم و بیش چیزهایی در این خصوص شنیده بودند. البته حسین که کاملا اظهار بی‌اطلاعی کرد. اما بقیه می‌گفتند باید به مخاطبین و مردم اطلاع رسانی شود تا اسیر اطلاعات دروغین در فضای مجازی نشوند.

مسئول غرفه اعتیاد به فضای مجازی اما گفت: خب به نظر من فضای مجازی و اطلاعات مثل یه چاقو هستند که هم می‌شود از آن‌ها استفاده مثبت کرد هم استفاده منفی، باید با تفکر عمیق نگریستن و با کمک سواد رسانه‌ای، پیام‌ها را تجزیه تحلیل کرد و زمان محدود تری را برای این فضا بگذاریم تا کمتر گرفتار این حجم از اطلاعات بشویم.

دوست دیگری پاسخ داد: واقعیت این است که مردم خیلی درگیر فضای مجازی شده‌اند و حتی بدون هیچ لزومی سرگردان در فضای مجازی چرخ می‌زنند و خواه ناخواه دچار این سونامی اطلاعات می‌شوند. الان طوری شده که تلفن همراه انگار یک عضوی از بدن است. به نظر من خانواده خیلی تأثیر گذار است در کنترل کردن این مشکل، تا زمانی که اعضای خانواده با هم تعاملی نداشته باشند و همراهی و همدلی نکنند، فرد برای جبران نیازش به فضای مجازی رو می‌آورد. اما راه کار اساسی این است که آموزش‌های صحیح و جامع به مردم داده شود. هر فرد باید میزان استفاده‌اش از این فضا را کنترل کند و بخشی از وقت آزادش را صرف فعالیت‌های بدنی یا فکری نماید.

در مورد استقبال مردم از نمایشگاه و توصیه به مخاطبین برای حضور در این فضا حرف‌ها جالبی شنیدیم.

حسین: من قبل از اینکه به اینجا بیایم فکر می‌کردم چهار تا گیم ساده و لوس ارائه می‌کنند و تمام. اما انصافا کیفیت نمایشگاه بالاست. اگر مردم درباره اتفاقات این نمایشگاه بدانند، استقبال بهتری می‌کنند.

نظر غرفه دارها اما متفاوت بود:

- خب امروز خیلی خیلی خلوت بود.

- با توجه به این که این نمایشگاه به تازگی راه افتاده و این که مثل نمایشگاه کتاب معروف نیست و مردم خیلی نمی‌شناسندش؛ استقبال خوب بوده است.

ما هم امیدواریم با اطلاع رسانی‌های بیشتر و بهتر، بازدید مردم در روزهای آینده از این نمایشگاه بیشتر شود.

نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال در قاب تصاویر